



# ارتباط میان رابطه خویشاوندی مقتول با قاتل و تصمیم اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد (تحلیل موردی پرونده‌های قتل عمد در استان تهران)<sup>۱</sup>

شقایق اکبری<sup>۲</sup>

قاسم قاسمی<sup>۳</sup>

نسرین مهرا<sup>۴</sup>

محمدعلی مهدوی ثابت<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

## چکیده

وفق قانون مجازات اسلامی ایران، در جرم قتل عمد مستوجب قصاص نفس، اختیار تعیین مجازات به اولیای دم سپرده می‌شود و از آنجا که نوع تصمیم، از قصاص نفس تا گذشت، در نوسان می‌تواند باشد، شناسایی عوامل مرتبط با تصمیم‌گیری اولیای دم، بسیار حائز اهمیت می‌گردد. در هر پرونده قضایی، ساختار پیچیده‌ای از موقعیت‌ها و روابط اجتماعی وجود دارد که چگونگی رسیدگی به آن پرونده را پیش‌بینی و تصمیم‌گیری در خصوص آن را هدایت می‌کند. به نظر می‌رسد تصمیم اولیای دم، متأثر از مختصات اجتماعی پرونده بوده و ساختار اجتماعی متفاوت پرونده‌ها موجب تفاوت، در نتیجه پرونده‌ها می‌گردد. در این پژوهش، با استفاده از نظریه ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی، ارتباط متغیر رابطه خویشاوندی مقتول و قاتل، با تصمیم اولیای دم تحت بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی انجام شده و از تکنیک مطالعه پرونده‌های قضایی برای جمع‌آوری اطلاعات و از روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی خی دو<sup>۶</sup> و فی کرامر<sup>۷</sup> استفاده شده است. جمعیت تحقیق، پرونده‌های

<sup>۱</sup> استخراج مقاله از رساله دکتری و عنوان رساله: تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر اجرا و یا عدم اجرای قصاص نفس (بررسی موردی پرونده‌های قتل عمد در استان تهران)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [h\\_akbari1983@yahoo.com](mailto:h_akbari1983@yahoo.com)

<sup>۳</sup> استادیار و مدیر گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). [ghassemghassemi@gmail.com](mailto:ghassemghassemi@gmail.com)

<sup>۴</sup> دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران. [cnas@mail.com](mailto:cnas@mail.com)

<sup>۵</sup> استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [m-mahdavisabet@srbiau.ac.ir](mailto:m-mahdavisabet@srbiau.ac.ir)

<sup>۶</sup> Chi-Square

<sup>۷</sup> Phi-Crammer

قتل عمد مختومه استان تهران است که ۱۰۰ پرونده به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مطابق با یافته‌های تحقیق، ارتباط معناداری میان رابطه خویشاوندی مقتول با قاتل و تصمیم اولیای دم وجود دارد، بدین معنی که در روابط خویشاوندی نزدیک‌تر، تمایل بیشتری به گذشت و دریافت خون بها وجود داشته است. داده‌ها همچنین نشان داد که از ۴۳ قاتل متأهل، در ۳۲/۶٪ همسر و در ۱۴ درصد نیز خانواده همسر یا معشوقه کشته شده است، بنابراین میان متأهل بودن قاتلین و قتل زوجین با سطح معناداری ۰/۰۰۱ رابطه معناداری وجود دارد..

## کلید واژه‌ها

رابطه خویشاوندی قاتل و مقتول، قاتل متأهل، عدم اجرای قصاص، ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی، تصمیم اولیای دم.

## مقدمه

مجازات را از سه جنبه اخلاقی- فلسفی، کیفرشناختی و یا جامعه‌شناختی می‌توان مورد کاوش و پژوهش قرار داد. مجازات را همچنین می‌توان "در قانون" و یا "در عمل" مورد مطالعه قرار داد. در رویکرد فلسفی و اخلاقی به مجازات، هدف، توجیه اخلاقی و فلسفی مجازات و پاسخ به این پرسش است که چرا مجازات می‌کنیم؟ در رویکرد کیفرشناختی به مجازات، هدف، بررسی کارایی و کارآمدی مجازات و مطالعه تأثیر آن در کنترل و کاهش جرم در جامعه است (صفاری، ۱۳۹۲، ۱۲۰). پرسش اصلی در این رویکرد این است که آیا مجازات تأثیری در کاهش جرم و افزایش ضریب امنیت در جامعه دارد؟ در رویکرد اخلاقی- فلسفی به جرم، بسته به مبانی مورد نظر برای مجازات و توجیهات آن، ملاحظات نظیر تناسب آن با جرم و یا نقش آن در اصلاح و درمان محکوم مطرح است. به لحاظ حقوقی و هنجاری (نورماتیو) نیز اصل بر این است که نوع و میزان مجازات، تابعی از شدت زشتی، ناپسندی و قباحات فعل و قصد مجرمانه می‌باشد. در نظام کیفردهی جرم محور، قاضی در مقام تعیین کیفر، بیش از ویژگی‌های مجرم، بر نوع و شدت جرم ارتكابی متمرکز می‌شود و بر همین مبنا، تعیین کیفر می‌نماید. از اینرو، اصل اولیه و قدیمی تناسب جرم و مجازات، مبنای عملکرد این نظام کیفردهی است. خاستگاه این اصل را باید در نظریه سزادهی و عدالت استحقاقی جستجو کرد. ارتباط بین شدت جرم ارتكابی (میزان صدمه و قابلیت سرزنش متهم) و شدت مجازات، محور اصلی بحث الگوی تعیین مجازات بر اساس استحقاق است که البته این رویکرد در دهه ۱۹۷۰ متحول گردید (رحمدل، ۱۳۹۴، ۱۶۶).

در رویکرد جامعه‌شناختی، هدف، شناسایی روابط بین مجازات و شرایط اجتماعی و فرهنگی است که مجازات در دل آن، تعیین و اجرا می‌شود. در این رویکرد مجازات، تنها یک پاسخ اخلاقی و موجه به جرم (رویکرد فلسفی)، برای پیشگیری از رخداد مجدد آن در جامعه (رویکرد کیفرشناختی) نیست، بلکه مجازات

در این نگاه، یک نهاد اجتماعی مستقل است که واجد کارکردهایی بس فراتر از سرزنش اخلاقی جرم و یا کنترل و پیشگیری از آن است (مبین، ۱۳۸۷، ۷۹).

در رویکرد جامعه شناختی، عوامل مؤثر بر مجازات، خواه در قانون و یا در عمل، منحصر به عوامل فلسفی و حقوقی- قانونی نیستند. متغیرهای اجتماعی نظیر جایگاه و رتبه اجتماعی محکوم، وضعیت اقتصادی او، وکیل مدافع، شاکی و یا بازماندگان مقتول، رتبه و جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها، همچنین رابطه خویشاوندی میان مرتکب و بزه دیده یا نزدیکان وی، همه از عواملی هستند که می‌توانند در تعیین مجازات، در عمل، نقش بازی کنند.

آنچه از قانون برمی‌آید این است که قتل عمد، تحت شرایط مقرر در قانون در برخی موارد، مستوجب قصاص نفس بوده<sup>۱</sup>، لیکن اولیای دم در صورت توافق با قاتل، می‌توانند دریافت خون بها را انتخاب کنند و یا قاتل را مورد گذشت قرار دهند.<sup>۲</sup> از آنجا که چنین طیف وسیعی از عکس‌العمل از گذشت تا قصاص قاتل در اختیار اولیای دم می‌باشد، بررسی این مطلب که اولیای دم بر اساس چه عوامل یا فاکتورهایی، تکلیف قاتل پرونده را مشخص می‌کنند، بسیار حائز اهمیت می‌گردد. وقتی نوع جرم مشابه است، چه چیزی باعث تفاوت در مجازات می‌گردد، مجازاتی که این بار به جای قانون، اختیار اعمال آن به اولیای دم سپرده شده است. چه ویژگی‌هایی در عمل بزه‌کار و شرایط و اوضاع واحوال ارتکاب جرم و یا نحوه قتل وجود دارد که اولیای دم را مصمم به اجرای قصاص می‌کند و دیگری را به سمت بخشش یا دریافت خون بها پیش می‌برد؟ ممکن است تصمیم اولیای دم پرونده متأثر از ویژگی‌های مقتول باشد. از طرفی به نظر می‌رسد که وضعیت اقتصادی خانواده قاتل و مقتول در این میان، سهیم باشند با این توضیح که با توجه به امکان پرداخت خون بها به هر میزانی که مدنظر اولیای دم می‌باشد، قاتلی که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده با پرداخت مبلغ مورد نظر اولیای دم از طناب دار رهایی پیدا کرده و قاتل دیگری با داشتن وضعیت اقتصادی نامناسب، حتی با وجود درخواست مقادیری کم در حد دیه قانونی یا کمتر، به جهت عدم امکان پرداخت مبلغ، قصاص گردد. چقدر وضعیت اقتصادی خانواده مقتول در تصمیم آنها به دریافت خون بها یا اجرای قصاص مؤثر است؟ رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول در این میان چه نقشی را ایفا می‌کند؟ آیا می‌توان تصور کرد که در ارتباطهای خویشاوندی نزدیک‌تر، اولیای دم گرایش کمتری به اجرای قصاص، از خود نشان می‌دهند و به عبارت روشن‌تر میزان دریافت خون بها و یا گذشت در ارتباطهای خویشاوندی نزدیک، بیشتر است؟

<sup>۱</sup> ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی: مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.

<sup>۲</sup> ماده ۳۵۹ قانون مجازات اسلامی: در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، مجنی علیه یا ولی دم، تنها می‌تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.

در واقع می‌توان گفت که به موازات مختصات قانونی و حقوقی، و شاید حتی مهمتر از آنها، مختصات اجتماعی پرونده کیفری، در تعیین نوع و میزان مجازات مؤثر هستند. این پژوهش، با رویکردی جامعه‌شناختی به مجازات جرم قتل عمد، به دنبال بررسی و تبیین یکی از عوامل اجتماعی مؤثر بر تعیین مجازات، توسط اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد بوده و در واقع محقق تلاش می‌کند، ارتباط میان یکی از مختصات اجتماعی پرونده‌های قتل عمد را که همان رابطه خویشاوندی میان مرتکب و اولیای دم می‌باشد، با تصمیم اولیای دم، مورد بررسی قرار دهد.

به عبارت روشن‌تر، محقق در پی تبیین و بررسی این مطلب است که تصمیم اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد تا چه اندازه متأثر از رابطه خویشاوندی میان مرتکب و نزدیکان بزه دیده بوده و به طور کلی، واگذاری تصمیم‌گیری به بزه‌دیده و نزدیکان وی و به ویژه مشاهده الگوی حاکم بر تصمیم‌گیری این اشخاص، چه پامی را به جامعه مخابره نموده و چه آثار و نتایجی را به دنبال خواهد داشت. انجام چنین پژوهشی به این جهت ضروری می‌نماید که در طی سالیان متمادی، پژوهش‌های متعددی در حوزه نظری و در واقع حوزه قانون در کتاب انجام شده است، لیکن حوزه قانون در عمل که در واقع، بیانگر رویه عملی در حوزه تصمیم‌گیری‌های قضایی و به ویژه تعیین الگوی تصمیم‌گیری اشخاصی غیر از نظام عدالت کیفری رسمی می‌باشد، مغفول مانده است.

## ۱- پیشینه و ادبیات نظری پژوهش:

### ۱-۱ پیشینه پژوهش:

ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس اشاره کرده است که اگر رفتار ناروا و غیرعادلانه از سوی نزدیکان و دوستان انجام گیرد، نارواتر و غیرعادلانه‌تر است. برای مثال، خودداری از کمک به برادر، از خودداری از کمک به بیگانه، سرزنش‌بارتر است. همچنین صدمه زدن به پدر از صدمه زدن به بیگانه سرزنش‌آمیزتر است (Hessik, 2007-2008). در تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ میلادی درباره جرم خشونت‌آمیز انجام گرفته است، یافته‌ها حاکی از آن است که قربانیان خشونت خانگی و ضرب و جرح از سوی نزدیکان تمایلی نداشتند که بزه‌دیدگی خود را گزارش کنند (Dugan & Apel, 2005). در تحقیقات دیگری که بر خشونت علیه زنان تأکید کرده است، محققان با الگوی مشابهی مواجه شده‌اند که قربانیان خشونت از سوی نزدیکان، به میزان بسیار کمی به درخواست کمک از سوی پلیس یا مقامات قضایی تمایل داشته‌اند، در حالی که در مورد غریبه‌ها اینطور نبود (Felson & Hoskin, 1999). طبق نتایج تحقیق بلک، درباره روابط پلیس و شهروندان، اطلاعات پلیس، از خشونت‌های ارتكابی نزدیکان علیه یکدیگر، بسیار کم و مشتری همیشگی پلیس، کسانی بودند که رابطه دورتری با یکدیگر داشته‌اند (Black, 1970 & Black, 1980).

یافته‌های مطالعاتی دانشمندان جرم‌شناسی نشان داده است که همواره، پاسخ هیئت اجتماع به طور کلی و مراجع عدالت کیفری و دادگاه‌ها به طور خاص، به ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز، میان اشخاصی که روابط نزدیک دارند، به‌ویژه در روابط زوجین، خفیف‌تر از پاسخ به ارتکاب این جرایم، بین اشخاصی است که روابط دورتری با هم دارند (Black, 1976). طبق تحقیقات انجام شده در برخی قبایل کشور تانزانیا و برخی کشورهای آفریقایی دیگر، اختلاف‌ها و دعاوی با توجه به سطح تعامل افراد، طی آیین‌ها و فرآیندهای غیررسمی رسیدگی می‌شد تا روش‌های رسمی و با حضور مقامات قضایی (Black, 1976). در بین اسکیموها، انتقام‌جویی با میزان و درجه تعلقات افراد به یکدیگر متناسب است. در بین قوم ماسا، در کشورهای آفریقایی کامرون و چاد، اعضای یک طایفه فقط می‌توانند، با چوب که موجب جراحات سطحی می‌شود، با یکدیگر زدوخورد کنند، اما طایفه‌های مختلف می‌توانند با نیزه که با خونریزی همراه می‌باشد، زدوخورد کنند، امری که انتقام‌جویی را بر می‌انگیزد (رولان<sup>۱</sup>، ۱۳۸۳، ۲۲۶).

یافته‌های حاصل از پژوهش پیمایشی که در ایران با عنوان تأثیر رابطه مرتکب و بزه‌دیده بر گذشت و سازش در پرونده‌های ضرب و جرح با بهره‌گیری از تئوری ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی انجام گرفته است، حاکی از این مطلب است که نوع رابطه و پیوند عرفی میان مرتکب و بزه‌دیده می‌تواند بر اقدامات و تصمیم‌های کشگران در فرایند کیفری تأثیرگذار باشد (امینی ۱۳۹۵، ۷۵). در این پژوهش ۸۰ پرونده ضرب و جرح در شیراز مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان مرتکب و بزه‌دیده بر گذشت و سازش در مراحل ابتدایی فرآیند کیفری بی تأثیر بوده است، اما در برخی موارد در روابط نزدیک‌تر تا آخرین مراحل فرآیند گذشت و سازش ایجاد می‌شود. نویسنده این پژوهش با تأکید بر نظریه ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی معتقد است که حتی جرایم خشونت‌آمیز در روابط صمیمانه‌تر بین مرتکب و بزه‌دیده، با اغماض بیشتری از ناحیه طرفین و یا حتی دستگاه قضایی برخورد می‌شود، لذا آنچه در این میان تعیین‌کننده است، مسیر اجتماعی پرونده‌های قضایی است و قانون بر اساس ساختار پرونده‌های قضایی تغییر می‌کند (همان، ۷۷).

میزان بکارگیری سازوکارهای قانونی از سوی طرفین دعوا، یا مراجع قضایی در هر پرونده، می‌تواند گویای نگرش و واکنش آنها به موضوع مطرح شده باشد. اگر نگرش افراد مداخله‌کننده در فرآیند کیفری به موضوع یادشده، سختگیرانه، فعالانه و تهاجمی باشد، میزان بکارگیری ابزارهای قانونی بیشتر است و برعکس اگر نسبت به موضوع رویکرد تسامح‌گرا داشته باشند، کمتر به سازوکارهای قانونی برای حل و فصل دعوا متوسل می‌شوند (همان، ۹۴).

در حوزه شناسایی متغیرهای اجتماعی و فراقانونی و تأثیر آنها بر نتیجه پرونده‌های قضایی، در فرضی که قاضی و به عبارت بهتر نظام عدالت کیفری رسمی، اختیار تعیین مجازات را به دست دارد،

<sup>1</sup> Norber Rolan

پژوهش‌های نادری در ایران انجام گرفته است که به عنوان نمونه به دو مورد از آنها اشاره می‌گردد.

- منصورآبادی، یآوری، شیدائیان و رحیمی‌نژاد، (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در امریکا و ایران"، به این مطلب اشاره نموده‌اند که تصمیمات قضایی با اثرپذیری از عامل‌های گوناگونی صادر می‌شوند. این عامل‌ها در پرونده‌های کیفری، افزون بر محتویات و حقایق پرونده، به شخصیت متهم و بزه دیده و کارکرد نهادهای عدالت کیفری نیز باز می‌گردد، اما آنچه ایشان در پژوهش خود بر آن تأکید می‌ورزند، طرحواره ذهنی قاضی است. در پرونده‌های قضایی، طرح کلی که مبنای تصمیم‌گیری را شکل می‌دهد، می‌تواند قانون، نگرش قاضی، استراتژی یا راهبرد قضایی ویژگی‌های شخصیتی قاضی باشد که هر یک، تحت عنوان یک الگوی تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرند. باید توجه داشت که قانون به تنهایی، پاسخ چرایی تصمیم‌های قضات را نمی‌دهد. بر همین اساس، نگرش، استراتژی و ویژگی‌های شخصیتی را مورد واکاوی قرار داده و اثبات کردند که این عوامل نیز به نوبه‌ی خود بر تصمیم‌های قضات اثرگذارند.

- کریمی، (۱۳۹۴)، در پژوهش پیمایشی با عنوان "تأثیر عوامل فراقانونی و قانونی خاص بر تفاوت آرا در تعیین مجازات قضایی در جرایم مشابه" با تأکید بر سرعت، ضرب و جرح عمدی در سال ۹۴ صورت گرفته است که در این پژوهش، عوامل تعیین‌کننده حداکثر مجازات به دو دسته قانونی و فراقانونی تقسیم شده است. عوامل قانونی مجموعه عواملی است که در قانون به صراحت یا به شکل تلویحی در سراسر مواد قانون کیفری برای تعیین شدت کیفر مقرر شده‌اند، اما عوامل فراقانونی برخلاف عوامل قانونی نامعین می‌باشند و به فضای رسیدگی و مراجع و نیروهای پیرامونی مرتبط است که تصمیم قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که شناسایی این دسته عوامل، نیازمند مطالعات میدانی و تجربی است. در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۳۰ سوال در میان ۵۳ قاضی بدوی و تجدیدنظر حوزه قضایی مشهد توزیع گردیده است. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر اعضای جامعه آماری این پژوهش، دو عامل قانونی خاص اخلال در نظم جامعه و بیم تجری مرتکب با دیگران و استفاده از چاقو و اسلحه و امثال آن، تأثیر معناداری در تعیین حداکثر مجازات ضرب و جرح توسط قضات دارند. در خصوص اثر عوامل فراقانونی از میان ۱۳ عامل شناسایی شده در این پژوهش، تنها طرح‌ریزی قبلی برای ارتکاب جرم، تأثیر معناداری در تعیین حداکثر مجازات توسط قضات دارد.

این پژوهش‌ها به طور کلی، به دنبال بررسی ارتباط میان عوامل فراقانونی چون اوصاف و ویژگی‌های مربوط به مقامات قضایی درگیر در پرونده از جمله نگرش، استراتژی و ویژگی‌های شخصیتی قضات تصمیم‌گیرنده و نیز اوصاف و ویژگی‌های مربوط به بزه‌دیده و متهم از جمله سن بزه‌دیده و جنسیت او، درآمد بزه‌دیده و متهم، تحصیلات و موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها با تصمیمات قضایی بوده‌اند. این پژوهش‌ها، اگرچه صراحتاً به تئوری ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی و نیز متغیر رابطه خویشاوندی میان طرفین درگیر در پرونده اشاره‌ای ندارند، لیکن به وضوح تأثیر ساختارهای اجتماعی متفاوت در

پرونده‌ها را بر تصمیم‌گیری قضات مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرفی در مقاله "تأثیر رابطه مرتکب و بزه‌دیده بر گذشت و سازش در پرونده‌های ضرب و جرح" که سابق بر این توضیح داده شد، تأثیر متغیر مورد بررسی در این پژوهش، صرفاً در جرم ضرب و جرح بر نتیجه دعوی کیفری مورد بررسی قرار گرفته است، در حالی جرم موضوع پژوهش حاضر، قتل عمد بوده و محقق رابطه خویشاوندی میان مقتول و قاتل را با تصمیم اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد، مورد سنجش قرار داده است.

### ۱-۲ ادبیات نظری پژوهش:

به نظر می‌رسد ادبیات نظری پژوهش حاضر را در چندین حوزه می‌توان مورد بررسی قرار داد. در بدو امر، همواره این چالش نظری میان حقوقدانان وجود داشته است که آیا اساساً حقی برای بزه دیده در تعیین کیفر می‌توان در نظر گرفت یا خیر؟ با ظهور پدیده دولت و تدوین مجموعه قوانین، قدرت شخصی کاهش یافت و دولتها جانشین بزه‌دیده شدند و اجازه دخالت بزه دیده در کیفر بزهکار داده نشد و اگر کسی شخصاً مبادرت به کیفر بزهکار می‌کرد، به مجازات می‌رسید (شیری، ۱۳۹۷، ۸۲).

توماس هابز<sup>۱</sup> درباره کیفر می‌نویسد «کیفر عمل ناخوشایند و زجرآوری است که مقامات عمومی بر کسی اعمال می‌کنند که مرتکب فعل یا ترک فعلی باشد که به حکم همان مقامات، نقض قانون به شمار می‌رود؛ و هدف از مجازات آن است که اراده آدمیان به شیوه بهتری معطوف و متمایل به اطاعت و فرمانبرداری گردد (هابز، ۱۳۸۵، ۲۸۴).

نکته مورد توجه کانت<sup>۲</sup> بر نقش حاکم در کیفر کردن است: حق مجازات، حقی است که به موجب آن حاکم می‌تواند اتباع خود را به ازای جرمی که مرتکب شده‌اند به درد و رنج گرفتار کند (کانت، ۱۳۸۰، ۱۹۱). بنابراین، در نظر گرفتن نفعی برای بزه‌دیده، در نگاه کانت خروج از عدالت است، زیرا به عقیده وی، انسان نمی‌تواند وسیله اغراض دیگران واقع شود، هر چند وی، زبان‌های وارده به بزه‌دیده را نفی نمی‌کند (شیری، ۱۳۹۷، ۸۳). کانت، از طرفی هر گونه توافق، با بزهکار را برای مجازات نفی می‌کند: «هیچ کس مجازات نمی‌شود به این دلیل که آن را خواسته است، بلکه مجازات می‌شود، به این دلیل که مرتکب یک عمل قابل مجازات شده است؛ زیرا اگر کسی عملی را که خود خواسته است، تحمل کند، این عمل مجازات نیست (کانت، ۱۳۸۰، ۱۹۲).

هگل<sup>۳</sup> معتقد است اگر به بزه‌دیدگان اختیار داده شود، موضوع کین‌خواهی است و اگر دولت یا به عبارتی دیگر قاضی و قانون، عهده‌دار کیفر باشند، مکافات بوده و عدالت است و مثال انتقام را از مواردی می‌داند که به افراد اختیار می‌دهد، جرم را به دادگاه بکشانند یا نه (هگل، ۱۳۷۸، ۱۳۷).

<sup>1</sup> Thomas Hobbes (1588-1679)

<sup>2</sup> Immanuel Kant (1724-1804)

<sup>3</sup> Georg Wilhelm Friedrich Hegel (1770-1831)

جدیدترین چالش‌ها را در خصوص حق بزه‌دیده در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن، طرفداران عدالت ترمیمی ایجاد کرده‌اند. آنان تعیین کیفر، بدون توجه به نیازهای بزه‌دیده را مورد انتقاد قرار می‌دهند (شیری، ۱۳۹۷، ۸۶). آنها بر این نکته اذعان می‌دارند که در برخی موارد، خواسته بزه‌دیده فقط کیفر کردن است و وی جز با کیفر، آرامش نمی‌گیرد، اما این در واقع، ارضای حس انتقام جویی بزه دیده است، در حالی که نیاز واقعی بزه‌دیده، التیام آسیب‌های مادی و معنوی ناشی از بزه می‌باشد (همان).<sup>۱</sup> جرج فلچر<sup>۲</sup> به موضوع نقش بزه‌دیده توجه و رابطه آن با توجیه مجازات را تبیین می‌کند. به گفته وی نمی‌توان درد و رنجی که در نتیجه آن بر بزه‌دیده وارد شده و ارتباط آن با مجازات را نادیده گرفت. به همین جهت وی معتقد به شنیدن صدای بزه‌دیده در تعیین مجازات است (Fletcher, 1998, 66). در نظام کیفری ایران، به تاسی از مبانی فقهی، اختیار تصمیم‌گیری در خصوص قاتل عمدی از حیث جنبه خصوصی جرم، به نزدیکان بزه‌دیده سپرده شده است. امری که تصمیم‌گیری در این حوزه را از نظام عدالت کیفری سلب نموده و به دست مدعی خصوصی می‌سپارد.

سپردن اختیار تعیین مجازات، آن هم در خصوص قتل عمد که از سنگین‌ترین و خشونت‌آمیزترین جرایم محسوب می‌گردد، دارای آثار و نتایجی خواهد بود که بررسی آسیب‌شناسی این امر، جز با انجام پژوهش‌های میدانی میسر نخواهد بود، موضوعی که این پژوهش در صدد انجام بخش جزئی از آن بوده است.

از منظر دیگری، از آنجا که اولیای دم به عنوان بخشی از جامعه، تصمیم‌گیرنده و در واقع تعیین‌کننده مجازات بزهکار می‌باشد و در واقع این بخش کوچک از جامعه، با زمینه‌های عاطفی، احساسی، هیجانی، اقتصادی، اخلاقی و دیگر عوامل زمینه‌ای، اراده خویش و به نوعی جامعه خویش را در قالب تعیین مجازات بزهکار، نشان می‌دهد، حوزه‌ای از ادبیات نظری این پژوهش را می‌توان به بحث جامعه‌شناسی حقوق کیفری و به ویژه جامعه‌شناسی کیفر، گره زد. از منظر جامعه‌شناسی کیفر، مجازات یک پدیده اجتماعی است که علل ایجاد، تداوم یا اضمحلال آن را در دل جامعه بایستی جست (جوان جعفری بجنوردی، علیرضا و اسفندیاری بهرآسمان، محمدصالح، ۱۳۹۹، ۲). اگرچه تا چندی پیش، برخی در امکان جمع دو رشته جامعه‌شناسی و حقوق کیفری تردید داشتند، ولی امروزه نه تنها کسی بر امکان این امر شک ندارد، بلکه ضرورت انجام مطالعات جامعه‌شناسی حقوق بر کسی پوشیده نیست. موريس هوریو<sup>۳</sup> حقوقدان و جامعه‌شناس فرانسوی می‌گوید: «بخش اندکی از جامعه‌شناسی از خطه حقوق، دوری می‌گزیند، اما بخش بزرگی از آن، به سراپرده حقوق روی می‌آورد. چنانچه بخواهیم به دقت این گفتار بیفزائیم، باید اضافه کنیم که قسمت ناچیزی از حقوق نیز از جامعه‌شناسی دور می‌شود و قسمت زیادی از

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: شیری، عباس، «عدالت ترمیمی»، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، (۱۳۹۶).

<sup>۲</sup> George P. Fletcher (1939- 2021)

<sup>۳</sup> Maurice Hauriou



آن به جامعه‌شناسی رو می‌نماید.» (گروویچ ۱۳۵۲، ۳). در جامعه‌شناسی کیفر، موضوع مطالعه، واکنش‌های جامعه در مقابل پدیده مجرمانه است. (مبین ۱۳۸۷، ۷۸). بررسی رابطه فرهنگ و مجازات، یکی از موضوعات محوری در جامعه‌شناسی کیفر است که این بررسی نشان می‌دهد که نوع مجازات، ریشه در احساسات و ذهنیت‌های جامعه دارد و از این منظر، مجازات، نمودی از ارزش‌های زمان خویش است (جوان جعفری بجنوردی، علیرضا و اسفندیاری بهرآسمان، محمدصالح، ۱۳۹۹، ۳).<sup>۱</sup>

به این ترتیب، با گرفتن اختیار تصمیم‌گیری در دستان اولیای دم و مرتبط بودن این تصمیم با عوامل زمینه‌ای متعدد، بایستی به حوزه قانون در عمل وارد شد و این موضوع را بررسی کرد که تصمیم به مجازات یا عدم مجازات در جرم قتل عمد، در چه بستری و تحت چه شرایطی اتخاذ خواهد شد؟ امری که به نظر می‌رسد حاکی از تفاوت تصمیم‌گیری‌ها، تحت شرایط و بسترهای متفاوت می‌باشد. از این رو، چشم انداز نظری دیگری جلوه می‌نماید که گویای این مطلب است که پرونده‌های متفاوت، قانون متفاوت دارد. به اعتقاد دونالد بلک<sup>۲</sup>، مردم مختلف، قانون مختلف دارند و قتل‌ها و تجاوزهای مشابه، معمولاً نتایج قانونی متفاوتی دارند که شامل تصمیم‌های مختلفی درباره تقصیر یا بی‌گناهی است و شامل مجازات‌های متفاوت، برای آنهایی که محکوم تشخیص داده می‌شوند (امینی، ۱۳۹۷، ۱). تفاوت در نوع مجازات‌های اعمال شده بر محکوم‌علیه، ناشی از تفاوت در ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی می‌باشد و به تعبیر دیگر، ساختارهای متفاوت اجتماعی موجود در پرونده‌ها، مجازات‌ها و عکس‌العمل‌های متفاوتی را در خواهد داشت. به تعبیر دیگر، وجود مختصات و عوامل اجتماعی در هر یک از پرونده‌ها، مسیر پرونده‌ها را مشخص نموده و آنها را به سمت و سوی هم راستا با آن مختصات اجتماعی می‌برد.

هر پرونده‌ای، از این جهت که اشخاص متعددی در آن درگیر می‌باشند و هر یک از این اشخاص، دارای ویژگی‌های خاصی به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، دینی و فرهنگی می‌باشند، دارای ساختار منحصر به فردی می‌باشد. بسته به اینکه شخص شاکی یا مشتکی‌عنه از چه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و یا باورهای اعتقادی و مذهبی باشند، ممکن است نتیجه دعوی متفاوت باشد. همچنین ممکن است حضور یا عدم حضور وکیل در جریان رسیدگی و همچنین نفوذ و جایگاه آن وکیل و نیز شهرت وی در نتیجه دعوی تأثیرگذار باشد. قضات رسیدگی‌کننده به موضوع نیز اگرچه مکلف به اجرای قوانین می‌باشند، حداقل در برخی موارد نظیر کیفیت‌های مشدده و مخففه و استفاده از مجازات حداقل، آنجا که طیف مجازات در بازه حداقل و حداکثر تعیین شده است، بر اساس چارچوب و نظام ذهنی و فکری و ویژگی‌های خود، ممکن است بر نتیجه دعوی تأثیرگذار باشند. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که

<sup>۱</sup> برای مطالعات بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی کیفر رجوع کنید به: جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد، «ماهیت فلسفی و جامعه‌شناسی کیفر، تاملی در چیستی و کارکرد کیفر»، نشر میزان، (۱۳۹۴).

همچنین مراجعه کنید به: گارلند، دیوید، مجازات و جامعه مدرن، ترجمه نبی اله غلامی، نشر میزان، (۱۳۹۴)

<sup>۲</sup> Donald Black (1941-2022)

ساختار پیچیده و بفرنجی از روابط و ساختارها در هر پرونده‌ای ممکن است به چشم بخورد که نتیجه دعوی را دگرگون کند. در فرضی که در یک نظام کیفری، اخذ تصمیم در مورد بزهکار به بزه‌دیده یا نزدیکان وی سپرده می‌شود، ویژگی‌ها و خصوصیات اشخاص تصمیم‌گیرنده، مناسبات، مراودات و ارتباطات میان طرفین درگیر در پرونده و همچنین بسترهای فکری، اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و البته اقتصادی افراد تصمیم‌گیرنده، بسیار حائز اهمیت می‌گردد.

به عقیده بلک، در سراسر جهان اجتماعی، اصول متعدد و متنوعی، کمیت قانونی را که یک پرونده جذب می‌کند، توضیح می‌دهد و تشریح و پیش‌بینی می‌کند. قانون در نوسان و قابل تغییر و دگرگونی است. از یک پرونده به پرونده دیگر تغییر می‌کند. قانون، موقعیتی و وضعیتی است. تابع و پیرو موقعیت و وضعیت است و به عبارت دیگر قانون نسبی است. اگرچه این تصور وجود دارد که قانون عمومی و همگانی است اما برطبق تئوری نسبی بودن قانون، قانون به ندرت در مورد دو پرونده با نوع جرم مشابه، یکنواخت است. قانون، «موقعیتی» و «وضعیتی» است تا عمومی و همگانی و جمعی (امینی، ۱۳۹۵، ۷۸). مطابق با نظریه ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی، از موضوعاتی که بر نگرش سخت‌گیرانه و به دنبال آن عدم تسامح در حل و فصل دعوا تأثیرگذار است، میزان صمیمیت و ارتباط میان طرفین دعوا می‌باشد. به تعبیر بلک "قانون" میان نزدیکان، دوستان و خویشاوندان غیرفعال است. هرچه فاصله ارتباطی طرفین دعوا بیشتر باشد، اعمال روش‌های قانونی برای حل و فصل دعوا، بیشتر می‌شود (Black, 1989, 18).

بدین ترتیب، اگر اختلاف یا جرمی میان نزدیکان واقع شود، آنان کمتر به شکایت و طرح دعوا اقدام می‌کنند و در صورت طرح دعوا، پلیس و مقامات قضایی نیز در بکارگیری ابزارهای قانونی و رسمی احتیاط می‌کنند و کمتر به این ابزارها متوسل می‌شوند (امینی، ۱۳۹۵: ۷۹).

## ۲- روش شناسی پژوهش

از آنجا که طرح پیمایشی، با مطالعه یک نمونه از جامعه، از روندها، نگرش‌ها یا عقاید آن جامعه، توصیفی کمی یا عددی فراهم می‌آورد (کرس ول<sup>۱</sup>، ۱۳۹۸، ۲۵۳)، روش اتخاذ شده در این پژوهش از نوع پیمایش بوده و از روش‌های توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار برای توصیف داده‌ها و از آزمون‌های همبستگی خی‌دو و فی کرامر به وسیله نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. سطح معناداری آزمون‌ها کمتر از ۰/۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شد.

<sup>1</sup> Creswell

## ۱-۲ شناسایی جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری، پرونده‌های قتل عمد استان تهران می‌باشد که در فاصله اسفند ۱۳۸۳ لغایت شهریور ۱۳۹۴ در استان تهران رخ داده و تا شهریور ۱۳۹۷ مختومه گردیده است که تعداد ۱۰۰ پرونده به عنوان حجم نمونه آماری تعیین گردید.<sup>۱</sup> برای تعیین افراد نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. تعداد نمونه آماری ۱۰۰ پرونده قتل عمد بوده که ۳۸ پرونده به قصاص نفس، ۴۹ پرونده به دریافت خون بها، ۱۱ پرونده به گذشت و ۲ مورد به فوت در زندان منتهی گردیده است.

## ۲-۲ شناسایی روش جمع‌آوری داده‌ها

پژوهشگر جهت دسترسی به پرونده‌ها به تمام ۵ شعبه از شعبه‌های اجرای احکام مستقر در دادسرای جنایی تهران مراجعه نموده که تمامی پرونده‌های قتل عمد رخ داده در استان تهران، جهت اجرا به این شعبه‌ها ارسال می‌گردند. ارجاع به پنج شعبه متفاوت، از حیث ایجاد تنوع در انتخاب نمونه‌ها و قابلیت تعمیم بیشتر داده‌ها صورت گرفته است. نحوه دسترسی به پرونده‌ها اینگونه بود که با موافقت ریاست شعبه از مدیر دفتر و یا بایگان درخواست می‌گردید که پرونده‌های قتل عمد با وصف مختومه بودن در اختیار قرار گیرد و حتی به جهت جلوگیری از ارائه پرونده‌های خاصی توسط کارمندان مربوط، عنوان تحقیق به درستی تشریح نشده تا مبادا تأثیری در سوگیری آنها در ارائه پرونده‌ها داشته باشد. پژوهشگر در حضور ریاست شعبه، مبادرت به مطالعه و یادداشت‌برداری از اوراق و مدارک پرونده نموده و سپس به شکل کدگذاری وارد نرم‌افزار آماری نموده است.

## ۳-۲ شناسایی متغیرها

<sup>۱</sup> به جهت عدم ارائه آمارهای رسمی در خصوص تعداد پرونده‌های قتل عمد مختومه شده در استان تهران و مشخص نبودن جامعه آماری، مبنای محاسبه حجم نمونه آماری، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵-۳۸۴ تعداد پرونده در نظر گرفته شد، لیکن متأسفانه به جهت دشواری دسترسی به پرونده‌ها و عدم امکان مطالعه آنها حتی به تعداد محدود، به دلیل فضای حاکم بر دادسرای مربوطه، علیرغم تلاش‌های پژوهشگر، امکان مطالعه این حجم نمونه میسر نگردید به نحوی که مطالعه ۱۰۰ پرونده نیز، از اسفند ۹۵ تا شهریور ۹۷ یعنی حدود یک سال و هفت ماه به طول انجامید. از جهت توجیه آماری، با توجه به اینکه در پژوهش‌های اجتماعی همواره محدودیتهایی از قبیل نیروی انسانی ماهر، زمان کافی، هزینه و اعتبار و عدم همکاری ارگان‌های قضایی و اداری مربوط وجود دارد، گاهی به محقق اجازه داده می‌شود که اندازه نمونه را بر حسب شرایط و امکانات پژوهش انتخاب کند. در حال حاضر در مجموع درست است که حجم نمونه آماری حاضر ۱۰۰ پرونده بوده و از فرمول کوکران تخطی شده است، لیکن براساس قاعده کلی که حداقل حجم نمونه در پژوهش پیمایشی ۱۰۰ تعداد می‌باشد، به ناچار به همین تعداد بسنده گردیده است. در نهایت محقق با علم به محدودیت‌های پژوهش انجام شده و نیز توجه به پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع مورد بررسی، ادعایی در تعمیم‌دهی این داده‌ها به تمام پرونده‌های قتل عمد نداشته و ندارد و صرفاً الگوی حاکم بر این ۱۰۰ پرونده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

متغیرمستقل در این پژوهش عبارتند از رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول و متغیر وابسته تصمیم اولیای دم در مورد سرنوشت قاتلان عمدی است.

**رابطه خویشاوندی:** در زبان فارسی، برای بیان دقیق مجموعه پیوندهای نسبی و سببی، از نزدیک ترین تا دورترین حلقه‌ها، واژه ای عام و مقبول وجود نداشته و برای بیان مجموع این پیوندها، از کلمات گوناگونی چون خانواده، فامیل، بستگان و خویشاوندی استفاده می‌شود که مصداق هر یک از این واژه‌ها نیز، شبکه‌های خویشاوندی گوناگونی است که حد و مرز روشنی ندارند (کوشک جلالی ۱۳۷۶، ۱۱۵). سعیدی سیرجانی و تنکابنی، معتقد به وجود دو گروه خویشاوند دور و نزدیک می‌باشند که خویشاوند نزدیک عبارت است از پدر، مادر، خواهر و برادر و خویشاوند دور یعنی عمه، خاله، دایی و عمو و فرزندان آنها (همان، ۱۳۳). برای دستیابی به مفهومی روشن از متغیر بکار رفته در پژوهش واژه‌های هم‌خانواده با این مفهوم، در ذیل توضیح داده می‌شوند.

خانواده: این واژه در میان انبوه واژه‌های مورد استفاده، مشخص‌ترین و از حیث اعضا، دقیق‌ترین شبکه است که دربرگیرنده نزدیک‌ترین خویشاوندان به شخص است و افرادی چون پدر، مادر، فرزند، خواهر و برادر در این جمع جای می‌گیرند (همان، ۱۲۸).

فامیل: این واژه هم برای خویشاوندان نزدیک و هم خویشاوندان دور کاربرد دارد و افراد زیر در درون این شبکه قرار دارند: عمه، دایی، خاله و عمو به همراه همسرانشان و فرزندان آنها، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، همسر و فرزندان خواهر و برادر (برزگر، ۱۳۵۵، ۱۴۶).

خویشاوند: برخی محققان واژه خویشی و خویشاوندی را معادل kinship انگلیسی دانسته‌اند.<sup>۱</sup> گروه خویشاوندی، مجموعه‌ای از افراد است که بر اساس قرابت نسبی و سببی با یکدیگر پیوند دارند و روابط اجتماعی و اقتصادی و عاطفی خاص، آنها را مرتبط می‌سازد (بهنام ۱۳۵۲، ۶۲). اکثر ادیبان و زبان‌شناسان آن را واژه‌های عام برای پیوندهای نسبی و سببی از نزدیک ترین تا دورترین حلقه‌ها می‌پندارند (کوشک جلالی ۱۳۷۶، ۱۲۸).

در این پژوهش با توجه به تعاریف ارائه گردیده، رابطه خویشاوندی اعضای خانواده، خویشاوندان نزدیک و دور را در بر می‌گیرد.

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در خصوص واژه شناسی مفاهیم مشابه خویشاوند و خانواده مراجعه کنید به: میشل پرن و میشل پانوف، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، «فرهنگ مردم شناسی»، تهران، (۱۳۹۲). بریجیان، ماری و خرمشاهی، بهاءالدین، «فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

روح الامینی، محمود، «مبانی انسان شناسی (گرد شهر با چراغ)»، انتشارات عطار، تهران، (۱۳۸۰)  
طبیعی، حشمت الله، «مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر»، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۸).

نکته دیگر اینکه در متغیرمستقل پژوهش، رابطه مقتول با قاتل سنجیده شده است، به عنوان نمونه، در دسته دوم که از خواهرزاده و برادرزاده نام برده شده است، منظور این است که فرد قاتل، خواهرزاده یا برادرزاده خویش را به قتل رسانده است یا به عبارت دیگر آن کسی که مقتول واقع شده است، خواهرزاده و برادرزاده قاتل می‌باشد، حال آنکه در دسته سوم منظور این است که دایی، خاله، عمه و یا عموی قاتل به قتل رسیده است.

و در نهایت با توجه به عدم امکان تفکیک میان رابطه دوستی و سابقه آشنایی و در واقع عدم امکان تعریف شاخص برای چنین مفاهیمی، این دو مفهوم در یک فاکتور مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ضمن اینکه داده‌های بسیار کمی در مورد تشخیص این دو از یکدیگر در پرونده‌ها وجود داشته است. شایان ذکر است یکی دیگر از دلایل عدم امکان تفکیک این دو مفهوم از یکدیگر این است که خیلی مرز صحیحی میان آنها از منظر اذهان مردم وجود ندارد، چرا که ممکن است فردی، دیگری را به جهت سابقه آشنایی داشتن، دوست خویش تلقی نماید، در حالی که فرد دیگری چنین رابطه‌ای را تنها، سابقه آشنایی لحاظ کند.

گروه غریبه، منظور مواردی است که قاتل و مقتول هیچ گونه سابقه آشنایی و رابطه دوستی با یکدیگر نداشته و اولین بار در صحنه جرم یکدیگر را دیده‌اند.

گروه بندی تعریف شده بدین شرح می‌باشد:

گروه یک: مقتول پدر، مادر و یا فرزند قاتل می‌باشد.

گروه دو: مقتول خواهر، برادر، برادرزاده یا خواهرزاده قاتل است.

گروه سه: مقتول دایی، خاله، عمه، عمو و یا فرزندان آنها می‌باشند.

گروه چهار: مقتول همسر قاتل است اعم از اینکه مرد زن خویش را به قتل رسانده باشد و یا شوهر

توسط زن خویش به قتل رسیده باشد (اعم از همسر دائمی و موقت).

گروه پنج: مقتول خانواده همسر یا خانواده معشوقه قاتل می‌باشد.

گروه شش: مقتول فرزند خوانده و یا ناپدری و نامادری قاتل بوده است.

گروه هفت: رابطه دوستی و سابقه آشنایی.

گروه هشت: غریبه

در مورد متغیر وابسته پژوهش که عبارت از تصمیم اولیای دم در پرونده های قتل عمد می باشد بایستی خاطر نشان ساخت که وفق قانون مجازات اسلامی ایران و آنچه در مقدمه توضیح داده شد، در پرونده های مستوجب قصاص نفس، اولیای دم می تواند مرتکب را قصاص نموده یا وی را مورد گذشت قرار دهد، ضمن اینکه با توافق با قاتل می تواند مبلغی معادل دیه قانونی، کمتر یا بیشتر از آن دریافت نماید.

فرضیه پژوهش اینست که میان رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول با تصمیم اولیای دم در مورد قاتل عمدی ارتباط معنادار برقرار است، به این معنی که هر چه رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول نزدیک‌تر باشد، میزان گرایش اولیای دم به گذشت و دریافت خون بها بیشتر خواهد بود.

## ۲-۴ شناسایی روش تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش، بر اساس بینش اثباتی- تجربی و نیز توجه به این مسأله که در پژوهش اثبات گرا و کمی، دانش از طریق گردآوری داده‌های عددی و مشاهده‌ی نمونه‌ها و سپس عرضه‌ی این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم می‌شود (ساعی ارسی ۱۳۹۵، ۳۲)، از رویکرد تعمیمی، پهنانگر یا کمی استفاده شده است. به این ترتیب پس از جمع آوری داده‌ها، از تکنیک‌های آماری برای ایجاد و توصیف الگوهای عددی و رابطه‌هایی که بین داده‌ها وجود دارد، استفاده شده است. در این پژوهش با مطالعه نمونه آماری از پرونده‌های قتل عمد، توصیفی کمی و عددی از میزان اجرای قصاص و یا دریافت خون بها و یا گذشت بر اساس متغیر رابطه خویشاوندی قاتل و مقتول ارائه گردیده است. در این پژوهش از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

## ۳- ارزیابی آماری یافته‌های پژوهش:

بر طبق نظریه ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی، فرض بر اینست که متغیرهای اجتماعی موجود در پرونده، مسیر پرونده قضایی را به سمت و سوی متفاوتی رهنمون خواهد کرد و در واقع پرونده‌های قضایی با ساختارهای اجتماعی متفاوت، به نتایج متعددی منتهی خواهد گردید. بنابراین طبق این نظریه به نظر می‌رسد که رابطه خویشاوندی بین طرفین دعوا در پرونده قتل عمد که از اجزاء تشکیل دهنده ساختار اجتماعی پرونده قتل عمد می‌باشد، تصمیم اولیای دم را متأثر خواهد ساخت که بررسی این امر مستلزم داده‌های عینی و تجربی بوده که از پرونده‌های قضایی مختومه در دادسرای جنایی تهران به شرح ذیل استخراج گردیده است.

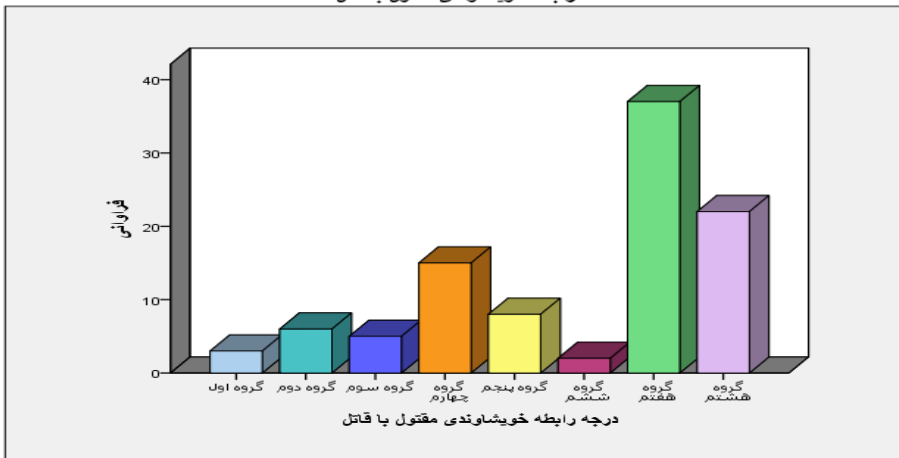
به جهت تمایز رابطه زوجین و امکان متفاوت بودن تصمیم‌گیری اولیای دم، ارتباط میان رابطه خویشاوندی قاتل و مقتول با تصمیم اولیای دم در فرضی که مقتول، زوج، زوجه یا معشوقه بوده است، به طور جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته است.

## ۳-۱ ارتباط رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول با تصمیم اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد در غیر از زوجین:

از ۱۰۰ پرونده مطالعه گردیده در ۹۸ مورد داده معتبر وجود دارد و به عبارتی رابطه خویشاوندی میان مقتول و قاتل قابل تشخیص است که از میان این ۹۸ پرونده، ۳ مورد فراوانی در دسته اول، ۶ مورد

فراوانی در دسته دوم و ۵ مورد فراوانی در دسته سوم قرار می گیرند. در مجموع از ۹۸ پرونده، ۱۴ مورد از قتل ها میان روابط خویشاوندی بسیار نزدیک صورت گرفته است. ۱۵ مورد فراوانی قتل ها میان زن و شوهر ها اتفاق افتاده است که رقم قابل توجهی است.

نمودار شماره ۱: فراوانی رابطه خویشاوندی قاتل و مقتول



در ۲ مورد، خانواده همسر و خانواده معشوقه به قتل رسیده است. در ۲ مورد قتل ها مربوط به زمانی بوده است که مقتول فرزند خوانده و یا ناپدری و نامادری می باشد. در ۳۷ مورد، میان مقتول و قاتل سابقه آشنایی یا رابطه دوستی وجود داشته است و در ۲۲ مورد نیز قاتلان افراد غریبه را به قتل رسانده اند.

می توان مشاهده نمود که بیشترین فراوانی در مورد دسته ها، رتبه اول متعلق به فاکتور سابقه آشنایی یا رابطه دوستی، رتبه دوم متعلق به قتل غریبه ها و رتبه سوم مربوط به قتل همسر می باشد.

جدول شماره ۱ در گروه های خویشاوندی متعدد، سرنوشت قاتل را نشان می دهد.

در گروه اول خویشاوندی که مقتول پدر، مادر و یا فرزند قاتل می باشد از سه پرونده موجود در ۱۰۰ موارد نتیجه به گذشت منتهی گردیده است.

در گروه دوم خویشاوندی که مقتول خواهر، برادر، برادرزاده یا خواهر زاده قاتل است از ۶ مورد پرونده در ۵۰ درصد موارد خون بها پرداخت گردیده و در ۳۳/۳ درصد گذشت صورت گرفته و تنها در ۱۶/۷ درصد موارد قاتل قصاص گردیده است.

در گروه سوم خویشاوندی که مقتول دایی، خاله، عمه، عمو و یا فرزندان آنها می باشند از ۵ مورد پرونده در ۶۰ درصد موارد خون بها پرداخت گردیده و در ۴۰ درصد موارد قصاص صورت گرفته است.

جدول شماره ۱: ارتباط رابطه خویشاوندی مقتول و قاتل با تصمیم اولیای دم

داده معتبر	فوت در زندان	گذشت	پرداخت خون بها	قصاص	درجه ارتباط خویشاوندی مقتول و قاتل / سرنوشت قاتل	
۳	۰	۳	۰	۰	فراوانی	مقتول: پدر، مادر، فرزندان
٪۳/۱	۰	٪۱۰۰	۰	۰	درصد	
۶	۰	۲	۳	۱	فراوانی	مقتول: خواهر، برادر و فرزندان آنها
٪۶/۱	۰	٪۳۳/۳	٪۵۰	٪۱۶/۷	درصد	
۵	۰	۰	۳	۲	فراوانی	مقتول: عمو، عمه، خاله، دایی و فرزندان آنها
٪۵/۱	۰	۰	٪۶۰	٪۴۰	درصد	
۱۵	۱	۰	۸	۶	فراوانی	مقتول: زن یا شوهر یا معشوقه
٪۱۵/۳	٪۶/۷	۰	٪۵۳/۳	٪۴۰	درصد	
۸	۰	۱	۳	۴	فراوانی	مقتول: خانواده همسر یا خانواده معشوقه
٪۸/۲	۰	٪۱۲/۵	٪۳۷/۵	٪۵۰	درصد	
۲	۰	۱	۱	۰	فراوانی	مقتول: پدرخوانده، مادرخوانده یا فرزند خوانده
٪۲	۰	٪۵۰	٪۵۰	۰	درصد	
۳۷	۱	۲	۱۸	۱۶	فراوانی	مقتول: رابطه دوستی یا سابقه آشنایی
٪۳۷/۱	٪۲/۷	٪۵/۴	٪۴۸/۶	٪۴۳/۲	درصد	
۲۲	۰	۲	۱۲	۸	فراوانی	مقتول: غریبه
٪۲۲/۴	۰	٪۹/۱	٪۵۴/۵	٪۳۶/۴	درصد	
۹۸	۲	۱۱	۴۸	۳۷	فراوانی کل	فراوانی و درصد کل
٪۱۰۰	٪۲	٪۱۴/۳	٪۴۶/۹	٪۳۶/۷	درصد کل	
						سطح معناداری
						۰/۰۱۴

در گروه چهارم خویشاوندی که مقتول همسر قاتل است اعم از اینکه مرد زن خویش را به قتل رسانده باشد و یا شوهر توسط زن خویش به قتل رسیده باشد در ۵۳/۳ درصد موارد خون بها پرداخت گردیده، در ۴۰ درصد موارد قاتل قصاص گردیده و در ۶/۷ درصد موارد نیز قاتل در زندان فوت نموده است. ملاحظه می شود که در هیچ از ۱۵ مورد قتل بین همسران، قاتل مورد گذشت قرار نگرفته است.

در گروه پنجم خویشاوندی که مقتول خانواده همسر یا خانواده معشوقه قاتل می باشد در ۵۰ درصد موارد قاتل قصاص گردیده، در ۳۷/۵ درصد خون بها پرداخت گردیده و در ۱۲/۵ درصد موارد نیز گذشت صورت گرفته است.

در گروه ششم خویشاوندی که مقتول فرزند خوانده و یا ناپدری و نامادری قاتل بوده است از مجموع دو مورد یکی به گذشت و دیگری به دریافت خون بها منتهی گردیده است که مورد گذشت مربوط به



پسری است که نامادری خویش را با ادعای فساد اخلاقی به قتل می‌رساند و پسر نامادری و پدر قاتل اعلام گذشت رایگان می‌نمایند.

در گروه هفتم خویشاوندی که رابطه دوستی و یا سابقه آشنایی بین مقتول و قاتل وجود دارد، در ۴۳/۲ درصد موارد قاتل قصاص گردیده، در ۴۸/۶ درصد موارد خون بها پرداخت شده، در ۵/۴ درصد موارد قاتل مورد گذشت قرار گرفته است و در ۲/۷ درصد موارد نیز قاتل در زندان فوت نموده است. در گروه هشتم خویشاوندی که قتل میان غریبه‌ها بوده است در ۳۶/۴ درصد قاتل قصاص گردیده، در ۵۴/۵ درصد قاتل خون بها پرداخت نموده است و در ۹/۱ درصد موارد نیز قاتل مورد گذشت قرار گرفته است.

با توجه به مقدار sig (سطح معناداری) مندرج در جدول ۰/۰۱۴ و کمتر بودن آن از ۰/۰۵ میتوان گفت که ارتباط معناداری میان درجه رابطه خویشاوندی مقتول با قاتل و تصمیم اولیای دم وجود دارد، بدین معنی که در روابط خویشاوندی نزدیک‌تر، تمایل بیشتری به گذشت و دریافت خون بها وجود داشته است، به طوری که از ۱۱ مورد گذشت، ۵ مورد در سه گروه اول صورت گرفته است، به ویژه در گروه اول که هر ۳ مورد قتل صورت گرفته، منتهی به گذشت گردیده است. همانطور که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد، بخش قابل توجهی از گذشت‌ها، در طبقه اول و دوم رخ داده است.

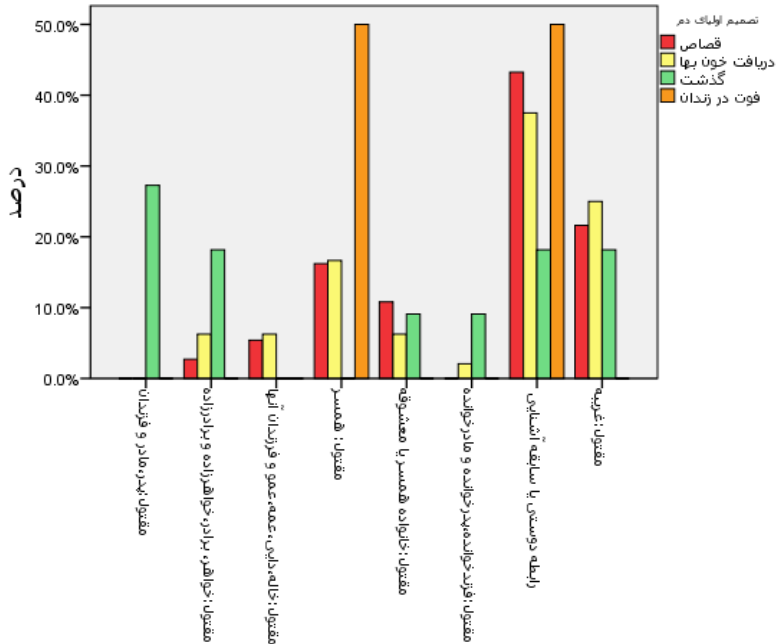
محتوای اظهارات اولیای دم در پرونده‌ها چنین نتایجی را تأیید می‌کند:

در پرونده شماره ۵۰ که فرزندی، پدر خویش را به قتل رسانده بود، اولیای دم بدون دریافت حتی یک ریال در همان جلسه دادگاه، گذشت قطعی خویش را اعلام داشته و عنوان می‌دارند که می‌خواهند هر چه زودتر فرد از زندان آزاد گردد.

در پرونده شماره ۵۱ که برادری، با ۱۴ ضربه چاقو خواهر خویش را به قتل رسانده بود، حدود چهار ماه بعد از وقوع قتل خانواده وی رضایت بی قید و شرط خود را اعلام می‌کنند. اولیای دم طی نامه ای به اجرای احکام عنوان می‌دارند که زندانی بودن پسر ما باعث تنهایی ما شده و زندانی شدن او در کنار مجرمین ممکن است باعث خراب شدن اخلاق خوب او بشود، لذا تقاضا داریم با آزادی مشروط وی موافقت شود.

در پرونده شماره ۱۷ که دایی، خواهرزاده خویش را به قتل رسانده بود، مادر مقتول که در واقع خواهر قاتل محسوب می‌گردید، تلاش فراوانی نمود که پرونده منتهی به اجرای قصاص نگردد و در نهایت نیز قاتل قصاص نگردید.

نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی تصمیم اولیای دم بر حسب رابطه خویشاوندی مقتول با قاتل



رابطه خویشاوندی مقتول با قاتل

### ۲-۳ تصمیم اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد در قتل زوجین

به جهت تمایز و ویژگی خاص رابطه زوج و زوجه و شرایط ویژه حاکم بر اجرای قصاص به جهت اختلاف در جنسیت و لزوم پرداخت تفاضل دیه، قتل میان زوجین به طور جداگانه مور بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی تصمیم اولیای دم در قتل بین زوجین

داده معتبر	فوت در زندان	گذشت	پرداخت خون بها	قصاص	قتل بین زن و شوهر / سرنوشت قاتل	
					فراوانی	درصد معتبر
۴	۰	۰	۲	۲	فراوانی	قتل، زوجه
					درصد معتبر	درصد معتبر
۱۱	۱	۰	۶	۴	فراوانی	قتل، زوج
۷۳/۳	۹/۱	۰	۵۴/۵	۳۶/۴	درصد معتبر	
۱۵	۱	۰	۸	۶	فراوانی کل	فراوانی و درصد کل
					درصد کل	
۱۰۰	۶/۷	۰	۵۳/۳	۴۰		

اطلاعات جدول حاکی از این است که در ۲۶/۷ درصد موارد زوجه، زوج را به قتل رسانده است و در ۷۳/۳ درصد موارد زوج، زوجه خویش را به قتل رسانده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که مردان بیش از زنان، همسر خویش را به قتل رسانده‌اند. همچنین می‌توان مشاهده کرد که در فرضی که زوجه، زوج را به قتل رسانده است، در ۵۰ درصد اولیای دم زوج، زوجه را قصاص کرده و در ۵۰ درصد خون بها دریافت کرده‌اند. اما در فرضی که زوج، زوجه را به قتل رسانده است در ۳۶/۴ درصد اولیای دم زوجه مبادرت به قصاص زوج کرده و در ۵۴/۵ درصد مبادرت به دریافت خون بها نموده‌اند و در ۹/۱ درصد نیز قاتل در زندان فوت نموده است. به این نکته بایستی دقت شود که در فرض قتل زن توسط شوهر، اولیای دم زن بابت قصاص قاتل بایستی تفاضل دیه را به وی پرداخته تا بتوانند وی را قصاص کنند و چنانکه اولیای دم پرونده توانایی پرداخت تفاضل دیه را نداشته باشد، از استفاده از حق اجرای قصاص محروم خواهد شد. البته چنین محرومیتی تا قبل از تصویب تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی بوده است که مقرر داشته است در تمام جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. لذا پس از تصویب این مقرر، خوشبختانه اولیای دم مقتول زن، صرفاً به جهت عدم توانایی در پرداخت تفاضل دیه، از امکان اجرای قصاص قاتل مرد، محروم نخواهند ماند. در خصوص پژوهش حاضر بایستی اذعان نمود که هر ۱۱ پرونده‌ای که در آن می‌بایستی تفاضل دیه پرداخت می‌شده است، مربوط به قبل از تصویب این مقرر قانونی می‌باشد که البته سنجش متغیر عدم توانایی در پرداخت تفاضل دیه، نیازمند تعریف شاخصه‌هایی است که با توجه به پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع، در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد.

نکته دیگر در بحث پرداخت تفاضل دیه این است که وجود چنین الزامی در خصوص پرداخت تفاضل دیه، اولیای دم را بر آن می‌داشت تا از ابزار مهریه فرزند متوفی خویش، برای احقاق حق خویش، مبنی بر مطالبه و اجرای قصاص استفاده نماید. بدین ترتیب در پرونده‌هایی با چنین شرایطی، مشاهده گردید که اولیای دم زوجه، در دادگاه خانواده، مهریه دختر خود را به اجرا گذاشته و پس از صدور اجراییه، مدارک پرونده مهریه را به دادسرای جنایی ارائه می‌کنند، تا مهریه دختر به عنوان تمام یا بخشی از تفاضل دیه‌ای که باید پرداخت شود، تهاتر شود. امری که اظهارات برخی از اولیای دم آن را تأیید می‌نماید که برای نمونه به یک مورد اشاره می‌گردد: «مهریه حق دختر من است و در واقع مهریه در مالکیت من اولیای دم قرار گرفته، حالا من بایستی پولی به عنوان تفاضل دیه به قاتل پرداخت کنم، خب حالا که من چنین حقی و مالی دارم، چرا از آن استفاده نکنم؟» مطلبی که بیان شد یکی از کارکردهای پنهانی مهریه را آشکار می‌کند، با این توضیح که در فرضی که زن توسط شوهرش به قتل می‌رسد و مهریه وی به اندازه‌ای است که تکافوی تفاضل دیه را بنماید، اولیای دم زن برای قصاص قاتل دچار مشکل نخواهند شد، در حالی که اگر مهریه‌ای وجود نداشته باشد یا مهریه تکافوی تفاضل دیه را ننماید، اولیای دم ناچار

است این مبلغ را از جیب خود بردارد. برای درک این مطلب که متأهلین چه اشخاصی را به قتل رسانده‌اند و همسرکشی در این میان چه سهمی دارد، توجه به اطلاعات جدول زیر ضروری است.

جدول شماره ۳: نتیجه پرونده بر حسب درجه خویشاوندی قاتل متأهل با مقتول

داده معتبر	فوت در زندان	گذشت	پرداخت خون بها	قصاص	درجه خویشاوندی قاتل متأهل با مقتول / سرنوشت قاتل	
					فراوانی	درصد
۱	۰	۱	۰	۰	فراوانی	مقتول: پدر، مادر، فرزندان
%۲/۳	۰	%۱۰۰	۰	۰	درصد	
۴	۰	۱	۲	۱	فراوانی	مقتول: خواهر، برادر و فرزندان آنها
%۹/۳	۰	%۲۵	%۵۰	%۲۵	درصد	
۱	۰	۰	۱	۰	فراوانی	مقتول: عمو، عمه، خاله، دایی و فرزندان آنها
%۲/۳	۰	۰	%۱۰۰	۰	درصد	
۱۴	۰	۰	۸	۶	فراوانی	مقتول: زن یا شوهر یا معشوقه
%۳۲/۶	۰	۰	%۵۷/۱	%۴۲/۹	درصد	
۶	۰	۱	۲	۳	فراوانی	مقتول: خانواده همسر یا خانواده معشوقه
%۱۴	۰	%۱۶/۷	%۳۳/۳	%۵۰	درصد	
۱	۰	۰	۱	۰	فراوانی	مقتول: پدرخوانده، مادرخوانده یا فرزند خوانده
%۲/۳	۰	۰	%۱۰۰	۰	درصد	
۹	۱	۰	۵	۳	فراوانی	مقتول: رابطه دوستی یا سابقه آشنایی
%۲۰/۹	%۱۱/۱	۰	%۵۵/۶	%۳۳/۳	درصد	
۷	۰	۰	۳	۴	فراوانی	مقتول: غریبه
%۱۶/۳	۰	۰	%۴۲/۹	%۵۷/۱	درصد	
۴۳	۱	۳	۲۲	۱۷	فراوانی کل	فراوانی و درصد کل
%۱۰۰	%۲/۳	%۷	%۵۱/۲	%۳۹/۵	درصد کل	
					سطح معناداری	۰/۰۰۱

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از ۴۳ قاتل متأهل، در ۱۴ مورد (۳۲/۶ درصد) همسرکشی صورت گرفته است که بیشترین فراوانی نسبت به سایر روابط خویشاوندی می‌باشد و در ۱۴ درصد نیز خانواده همسر یا معشوقه کشته شده است. کمترین فراوانی رابطه خویشاوندی در میان قاتلین متأهل مربوط به دسته اول، یعنی خویشاوندان درجه یک می‌باشد. بنابراین ملاحظه می‌گردد که در فرضی که

قاتل متأهل بوده است، در میزان قابل توجهی از موارد، یعنی حدود ۴۶ درصد، قاتل، همسر و یا خانواده همسر و معشوقه خویش را به قتل رسانده است. محاسبات آماری نشان می‌دهد میان متأهل بودن قاتلین و قتل زوجین با سطح معناداری ۰/۰۰۱ رابطه معناداری وجود دارد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

### نتیجه‌گیری

همه تصور می‌کنند که قانون اساساً یک فرایند منطقی است که در آن، قواعد و مقررات یکسان، نتیجه یکسان می‌دهند، اما برطبق تئوری نسبی بودن قانون، قانون به ندرت در مورد یک پرونده‌ی تخصصاً مشابه با دیگری، یکنواخت است. آنچه به آن اشاره گردید بخشی از تئوری ساختار اجتماعی پرونده‌های قضایی است که دارای ابعاد فراوانی است و در این پژوهش تلاش گردید، تنها بخشی جزئی از آن مورد آزمون و تست قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بیشترین فراوانی در گروه‌های تعریف شده، متعلق به گروه سابقه‌آشنایی یا رابطه دوستی با ۳۷/۸٪، سپس متعلق به قتل غریبه‌ها با ۲۲/۴٪ و در رتبه بعدی متعلق به قتل زوجین با ۱۵/۳٪ می‌باشد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به مقدار سطح معناداری  $P=0/014$  و کمتر بودن آن از ۰/۰۵ می‌توان گفت که ارتباط معناداری میان رابطه خویشاوندی مقتول و قاتل با تصمیم اولیای دم وجود دارد، بدین معنی که در روابط خویشاوندی نزدیک‌تر، تمایل بیشتری به گذشت و دریافت خون بها وجود داشته است، به طوری که از ۱۱ مورد گذشت، ۵ مورد در سه گروه اول صورت گرفته است، به ویژه در گروه اول که هر ۳ مورد قتل صورت گرفته، منتهی به گذشت گردیده است که به این ترتیب، فرضیه پژوهش اثبات گردید. همچنین ملاحظه گردید که مردان بیش از زنان، همسر خویش را به قتل رسانده‌اند که نکته‌ای در خور تأمل می‌باشد. در چنین فرضی، بیش از نیمی از پرونده‌ها به دریافت خون بها، توسط اولیای دم زن مقتول، منتهی گردیده است که به نظر می‌رسد چنانچه اجرای قصاص در این پرونده‌ها قبل از تصویب تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی صورت گرفته باشد، می‌تواند به عنوان عاملی قابل سنجش و تأمل در مورد تصمیم اولیای دم به دریافت خون بها مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها همچنین حاوی این مطلب بود که از ۴۳ قاتل متأهل، در ۱۴ مورد (۳۲/۶ درصد) همسرکشی صورت گرفته است که بیشترین فراوانی نسبت به سایر روابط خویشاوندی می‌باشد و در ۱۴ درصد نیز خانواده همسر یا معشوقه کشته شده است و در مجموع در فرضی که قاتل متأهل بوده است، در میزان قابل توجهی از موارد، یعنی حدود ۴۶ درصد، قاتل، همسر و یا خانواده همسر و معشوقه خویش را به قتل رسانده است، لذا محاسبات آماری نشان داد که میان متأهل بودن قاتلین و قتل زوجین با سطح معناداری ۰/۰۰۱ رابطه معناداری وجود دارد.

همانطور که ملاحظه گردید، خارج نمودن اختیار تعیین مجازات برای بزهکار، از حوزه نظام عدالت کیفری رسمی و سپردن آن به نظام غیررسمی از جمله بزه‌دیده یا نزدیکان وی، این اثر را خواهد داشت که اولیای دم در روابط خویشاوندی نزدیک (سه‌گروه اول خویشاوندی)، بر اساس عواطف، هیجانات و احساسات شخصی تصمیم گرفته‌اند و به جهت وجود علقه نزدیک خویشاوندی، تمایل کمتری به قصاص از خود نشان داده‌اند. جالب است بدانید که مستند به پژوهش میدانی دیگری که خصوص میزان حبس تعزیری در مورد قاتلین عمدی انجام گردیده است، میان دو متغیر فاصله زمانی روز بازداشت قاتل تا زمان اعلام گذشت، خواه رایگان یا در ازای دریافت خون بهاء، با میزان حبس تعزیری تعیین شده، رابطه معناداری وجود داشته و در واقع زمان اعلام گذشت، بر میزان حبس تعزیری تعیین شده توسط قاضی، بسیار مؤثر بوده است، با این توضیح که پس از اعلام رضایت اولیای دم که قاضی در مورد جنبه خصوصی جرم، قرار موقوفی تعقیب صادر کرده و ضمن صدور قرار به جهت جنبه عمومی جرم، اقدام به تعیین میزان حبس تعزیری می‌نماید، میزان حبس تعیین شده، بسیار نزدیک به بازه زمانی می‌باشد که فرد در بازداشت سپری کرده است (اکبری، ۱۴۰۰، ۲۳). داده‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که فاصله مدت زمان حبس تعزیری و فاصله زمانی روز بازداشت تا اعلام رضایت، در ۷۳/۳ درصد پرونده‌ها یک سال و یا کمتر از یک سال بوده است به این معنی که به فاصله زمانی یک سال یا کمتر از یک سال از زمان اعلام رضایت، حبس مقرر در دادنامه به پایان می‌رسیده است، در حالی که تنها در ۲۶/۷ درصد، این فاصله زمانی بیش از یک سال بوده است (همان، ۲۵). توجه به این پژوهش، در خصوص جنبه عمومی جرم قتل عمد، به همراه واگذاری اختیار تصمیم‌گیری در جنبه خصوصی به اولیای دم، زنگ خطر بزرگی را به صدا در می‌آورد که واگذاری صفر تا صد مجازات چنین جرم خشنی، حداقل حاکی از این خواهد بود که تساوی افراد در برابر قانون زیر سؤال برود.

کارشناسان و متخصصان حقوقی، به مدت زمان طولانی ادعا کرده‌اند که قانون عمومی و همگانی است و برای تمام پرونده‌های از یک نوع، یکسان و یکنواخت است. این ادعا بدین معنی است که در مورد مجرمانی که در شرایط مشابه، مرتکب جرم مشابه شده‌اند، باید مجازات مشابه و مساوی تعیین شود. در واقع این اصل به بیان ساده، ناظر به این است که هیچ تبعیض و تفاوتی، چه در مرحله وضع مجازات و چه در مرحله اجرا نبایستی، نسبت به شهروندان وجود داشته باشد و تمام ارکان و اجزاء حاکمیت یا قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران، باید این اصل را نسبت به شهروندان به صورت کاملاً یکسان و بدون تبعیض اعمال کنند، درحالی که مشاهده می‌گردد، چه در مرحله تقنین و چه در مرحله قضایی، پرونده‌های قتل عمد مستوجب قصاص نفس، به سرنوشت مشابهی منتهی نمی‌گردند، چنان که سرنوشت‌های متعددی در انتظار قاتل عمد خواهد بود که زینده یک نظام عدالت کیفری منصفانه و عادلانه نیست. عدم تساوی افراد در برابر قانون و غیرتخصصی شدن مجازات و سپردن آن به بزه‌دیده یا نزدیکان که فهم صحیحی از مجازات ندارند و صرفاً بر اساس عواطف و احساسات و نیازهای

خویش در مورد بزهکار تصمیم می‌گیرند، موجب متفاوت بودن قانون در عمل با قانون در کتاب خواهد شد و در حوزه تأمین اهداف مجازات قصاص نفس و حتی کارکرد آن تردیدهایی جدی ایجاد خواهد کرد. به نظر می‌رسد رویکرد قانونگذار ایرانی در مرحله تقنین و قضایی، به موازین حقوقی و یافته‌های جرم‌شناسی بی‌توجه بوده و حتی در جنبه عمومی این جرم نیز به نحو قابل توجهی پیرو خواست و اراده اولیای دم می‌باشد، امری که به واقع حداقل در حوزه جنبه عمومی جرم نیازمند اصلاح است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که یک واکنش اندیشیده شده و از پیش تعیین شده، مبتنی بر یک سیاست اخلاقی، علمی و فلسفی وجود ندارد و این همان مفهوم عدالت اقتضایی است. عدالتی که از یک پرونده به پرونده دیگر متفاوت است.

امید است که این پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی مجازات، حاوی دستاورد مفیدی بوده و بتواند مورد استفاده پژوهشگران و علاقمندان به حوزه‌های جامعه‌شناسی مجازات قرار گیرد و انگیزه علاقمندان را در پیشبرد تحقیق یا تکمیل سایر موضوعاتی که مرتبط با تحقیق فعلی است، برانگیزاند.

## پیشنهادهای پژوهش

### پیشنهادهای پژوهشی:

بدیهی است هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبرو است که امکان بررسی تمام جوانب یک موضوع وجود ندارد. از این رو، برخی از مواردی که زمینه سنجش آنها در این پژوهش فراهم نشده است، به سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان به تکمیل این موضوع، پیشنهاد می‌شود.

۱. این پژوهش صرفاً از منظر متغیر رابطه خویشاوندی میان مقتول و قاتل، تصمیم اولیای دم را مورد بررسی قرار داده است، در حالی که یقیناً مختصات و عوامل اجتماعی متعددی از جمله ساختارهای مربوط به قاتلان، مقتولان، وکلای درگیر در پرونده و به ویژه ویژگی‌ها و شرایط مربوط به اولیای دم، در چنین تصمیم چند بعدی و پیچیده‌ای دخیل می‌باشند، امری که به جهت تنوع و تکرر عوامل متعدد نیازمند دست‌توانای پژوهشگران جوان و کنجکاو می‌باشد.

۲. در این پژوهش با توجه به محدودیت‌های نویسنده، صرفاً از یکی از منابع جمع‌آوری داده‌ها که مطالعه پرونده‌ها بوده، استفاده شده است، در حالی که برای رسیدن به درکی عمیق و ژرف، از آنچه در عمل رخ می‌دهد، استفاده از سایر منابع جمع‌آوری داده‌ها از جمله اجرای مصاحبه و پرسش‌نامه با قضات درگیر در پرونده، وکلای طرفین، و به ویژه با اولیای دم، به منظور بررسی موشکافانه علت تصمیم‌گیری آنها، ضروری به نظر می‌رسد.

۳. در قسمت ارتباط میان متأهل بودن قاتلان و رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول، یافته‌ها نشان داد که در فرضی که قاتل متأهل بوده است، در میزان قابل توجهی از موارد، یعنی حدود ۴۶ درصد، قاتل، همسر و یا خانواده همسر و معشوقه خویش را به قتل رسانده است. این امر که چرا سرانجام روابط

زناشویی به قتل یکی از زوجین یا اعضای خانواده وی منتهی می‌گردد، امری بسیار تأمل‌برانگیز و نیازمند تحلیلی دقیق و عمیق از علت رخداد چنین امری و بررسی راهکارهای بیرون‌رفت از شرایطی است که ماحصل آن، قتل یکی از زوجین نباشد، امری که به نظر می‌رسد از لحاظ ابعاد فرهنگی و آموزشی می‌بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. تعمق و تفحص بیشتر در مورد این امر که انتخاب مجازات قصاص، در جامعه کنونی ایرانی، به واقع نمایان‌کننده چه بستر فرهنگی و اقتصادی، اخلاقی است و آیا اساساً کارکردی اجتماعی برای آن قابل تصور می‌باشد یا خیر، چرا که وجود نهادی چون مجازات و آنهم از نوع بسیار شدید، بدون تحقق کارکردهای اجتماعی مجازات و یا حداقل برآورده شدن اهداف تعیین شده برای آن مجازات، امری مذموم و به دور از موازین جرم‌شناسی خواهد بود.

### پیشنهاد‌های کاربردی:

۱. با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش در خصوص قتل زوجین و آمار بسیار نگران‌کننده آن، تمرکز بر افزایش مهارت‌های شهروندان به ویژه زوجین، در زمینه کنترل هیجان و عصبانیت ناشی از تنش‌های بین آنها از طریق بسترسازی فرهنگی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی به نظر می‌رسد در برخی مواقع از وقوع قتل‌های اینچینی، ممانعت بعمل آورد.
۲. با توجه به اینکه نه تنها عکس‌العمل خصوصی در قبال چنین جرم سنگینی، به اولیای دم واگذار شده است، بلکه مستند به پژوهش دیگری که به نتایج آن اشاره گردید، عکس‌العمل عمومی که همان تعیین مجازات حبس تعزیری می‌باشد، نیز تابعی از گذشت اولیای دم می‌باشد، ضرورت توجه جدی قضات دادگاه‌ها در مقام تعیین میزان حبس تعزیری، به موازین جرم‌شناسی و در نظر گرفتن اهداف مجازات‌ها و متناسب نمودن میزان حبس با شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب قتل و اوصاف مربوط به بزهکار در راستای فردی کردن مجازات‌ها، احساس می‌شود، به این منظور که حداقل با تعیین سنجیده مجازات عمومی قتل عمد وفق موازین و اصول حقوقی و نه تبعیت صرف از تصمیم اولیای دم، از رواج این تفکر که مجازات تعیین شده، هیچ پیامی را به جامعه مخابره نمی‌کند، جلوگیری بعمل آید.

### منابع:

#### منابع فارسی:

- ۱- امینی، محبوبه، «تأملی بر نظریه هندسه اجتماعی پرونده‌های قضایی»، پژوهشکده باقر العلوم، (۱۳۹۳).
- ۲- اکبری، شقایق، «عوامل مؤثر بر تعیین میزان حبس تعزیری قاتل عمدی در فرض عدم قصاص (تحلیل موردی پرونده‌های قتل عمد در استان تهران)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۴، (۱۴۰۰).



- ۳- الهام، غلامحسین و کریمی، مهدی، «تأثیر عوامل فراقانونی و قانونی خاص بر تفاوت آرا در تعیین مجازات قضایی در جرایم مشابه»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۴-۵، (۱۳۹۴).
- ۴- بریجیان، ماری و خرمشاهی، بهاءالدین، «فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۵- داگلاس، لیور، «مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی»، ترجمه علی برزگر، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۵۵).
- ۶- بهنام، جمشید، «ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران»، تهران، (۱۳۵۲).
- ۷- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد، «ماهیت فلسفی و جامعه‌شناسی کیفر، تأملی در چیستی و کارکرد کیفر»، نشر میزان، (۱۳۹۴).
- ۸- جوان جعفری، عبدالرضا و اسفندیاری بهرآسمان، محمدصالح، «تحول جامعه شناختی شیوه‌های اجرای اعدام در ایران و امریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، (۱۳۹۹).
- ۹- رحمدل، منصور، «تناسب جرم و مجازات»، انتشارات سمت، چاپ سوم، (۱۳۹۴).
- ۱۰- روح الامینی، محمود، «مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)»، انتشارات عطار، تهران، (۱۳۸۰)
- ۱۱- ساعی ارسلی، ایرج، «مهارت‌های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی»، انتشارات بهمن برنا، چاپ پنجم، (۱۳۹۵).
- ۱۲- شیری، عباس، «عدالت ترمیمی»، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، (۱۳۹۶).
- ۱۳- شیری، عباس، «حق بزه‌دیده در تعیین کیفر»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۱، (۱۳۹۷).
- ۱۴- صفاری، علی، «کیفرشناسی»، تهران، انتشارات جنگل، (۱۳۹۲).
- ۱۵- طبیبی، حشمت‌الله، «مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر»، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۸).
- ۱۶- فرجیها، محمد و امینی، محبوبه، «تأثیر رابطه مرتکب و بزه دیده بر گذشت و سازش در پرونده‌های ضرب و جرح»، نشریه حقوق جزا و سیاست جنایی، شماره ۳، (۱۳۹۵).
- ۱۷- کانت، امانوئل، «فلسفه حقوق»، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ اول، انتشارات نقش و نگار، تهران، (۱۳۸۰).
- ۱۸- کرسول، جان دلبیو، «طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی»، کیامنش، علیرضا و دانای طوس، مریم، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، (۱۳۹۸).
- ۱۹- کوشک جلالی، عباس، «اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی، ابهام در معنا و کاربرد واژه‌ها»، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۱، (۱۳۷۶).
- ۲۰- گارلند، دیوید، مجازات و جامعه مدرن، ترجمه نبی اله غلامی، نشر میزان، (۱۳۹۴).
- ۲۱- مبین، حجت، «جامعه‌شناسی مجازات‌ها، ضرورتی فراموش شده»، فصلنامه گواه، شماره ۱۲، (۱۳۸۷).
- ۲۲- میشل پرن و میشل پانوف، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، «فرهنگ مردم‌شناسی»، تهران، (۱۳۹۲).
- ۲۳- منصورآبادی، عباس و باوری، جواد و شیدائیان، مهدی و رحیمی‌نژاد، عباس، «الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در ایران و امریکا»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۸، (۱۳۹۶).
- ۲۴- نوربر، رولان، «تاریخ حقوق کیفری بین النهرین»، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی و حسین بادامچی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، (۱۳۸۳).

- ۲۵- هابز، توماس، «لویاتان»، ترجمه حسین بشیریه، چاپ چهارم، نشر نی، تهران، (۱۳۸۵).
- ۲۶- هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، «عناصر فلسفه حق یا خلاصه‌ای از حقوق طبیعی و علم سیاست»، ترجمه مهبد ایرانی طلب، چاپ اول، انتشارات پروین، تهران، (۱۳۷۸).

#### منابع انگلیسی:

- 27- Black, D, "The Behavior of law". New York: Oxford University Press, (1976, Last edition 2010).
- 28- Dugan, L. & Apel, R, "The differential risk of relation by relational distance: a more general model of violent victimization", *Criminology*, 43(3), 697-731, (2005).
- 29- Hessick, C. B, "Violence between lovers, strangers, and friends", *Washington University Law Review*, 85, (2007-2008).
- 30- Felson, R. B, Messner, S. F, Hoskin, A. W, & Deane, G, "Reasons for reporting and not reporting domestic violence to the police", *Criminology*, (2002).
- 31- Fletcher, George, "The Place of Victims in the Theory of Retribution: Buffalo Criminal Law Review", vol, 3 No. 1, April 1998, (PP. 65-89) Dol: 10,(1998).



## ***Relationship between the kinship of the murderer and murdered and the decision of the avengers of blood in premeditated murder (case study of premeditated murder cases in Tehran province)***

***Shaghayegh Akbari*** \*

***Ghasem Ghasemi*** \*\*

***Nasrin Mehra*** \*\*\*

***Mohammad Ali Mahdavi Sabet*** \*\*\*\*

### ***Abstract***

According to Iran's Penal Code, in intentional murder cases requiring retribution, the authority to determine the punishment is entrusted to the avengers of blood and since decision's type can fluctuate, from retribution to forgiveness, it is very important to the factors related to avengers of blood ' decision-making. In every judicial case, there is a complex structure of situations and social relations that predict how to deal with that case and guide decisions about it. It seems that the avengers of blood ' decision is influenced by the social structure of the case and the different social structure of the cases causes a difference in the outcome of the cases. by using of social structure of cases, was investigated relationship between the kinship of the murderer and murdered and the decision of the avengers of blood. The present research is conducted by Survey method and observation technique and Chi-square and Phi Kramer correlation tests were used. The statistical society is premeditated murder cases in Tehran which one- hundred cases were selected by convenience sampling method. According to the research findings, there is a significant relationship between the decision of the avengers of blood and the kinship of the murderer and murdered and in closer kinship relationships, there has been a greater tendency to give freely and receive blood money. The findings also showed that, out of 43 married murderers, in 32.6 percent, spouse and in 14 percent, the family of the spouse or lover was killed, therefore there is a significant relationship between the murderers being married and the murder of couples with a significance level of 0.001.

### ***Keywords***

*Kinship of murderer and murdered, Married murderer, Non-execution of retribution, Decision of avengers of blood, Social structure of cases.*

\* Criminal law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research branch, Azad University, Tehran, Iran. h\_akbari1983@yahoo.com

\*\* Assistant professor of Criminal law and Criminology Department, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research branch, Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author): ghassemghassemi@gmail.com

\*\*\* Associate professor of Criminal law and Criminology Department, Faculty of Law, Beheshti university, Tehran, Iran. cnas@mail.com

\*\*\*\* Assistant professor of Criminal law and Criminology Department, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research branch, Azad University, Tehran, Iran. visabet@srbiau.ac.ir